فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴

بررسی جامعه شناختی تاثیر فناوری های هوشمند بر نقش های اجتماعی، تعاملات انسانی، و فرهنگ دیجیتال

مهدی توکلی اله آبادی[۱]، زهره آذرائین[۲]، یاسر شجاعی باغینی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰
کد مقاله: ۹۸۲۴۲

چکـیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر فناوری‌های هوشمند بر نقش‌های اجتماعی، تعاملات انسانی و فرهنگ دیجیتال است. با توجه به گسترش روزافزون فناوری‌های هوشمند و جایگاه آن‌ها در زندگی روزمره، پرسش اصلی این است که چگونه این فناوری‌ها ساختارها و معانی اجتماعی را بازتعریف می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و به روش اسنادی – مروری انجام شده و از نظریه‌های ساخت‌یابی گیدنز، شبکه کنشگر لاتور و جامعه شبکه‌ای کستلز به‌عنوان چارچوب نظری بهره گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فناوری‌های هوشمند موجب تغییرات عمیق در نقش‌های اجتماعی، از جمله شغلی، خانوادگی و آموزشی شده و روابط انسانی را از شکل حضوری به الگوهای تعاملی دیجیتال سوق داده‌اند. همچنین، فرهنگ دیجیتال حاصل از تعاملات فناوری‌محور، منجر به بازسازی مفاهیمی همچون هویت، خودارائه‌گری و مصرف فرهنگی شده است. در نهایت، این پژوهش تأکید دارد که برای مدیریت پیامدهای فرهنگی و اجتماعی فناوری‌های هوشمند، باید سیاست‌گذاری آگاهانه، آموزش سواد دیجیتال و تولید محتوای بومی در دستور کار قرار گیرد.

واژگـان کلـیدی: فناوری هوشمند، نقش‌های اجتماعی، تعاملات انسانی، فرهنگ دیجیتال، جامعه‌شناسی فناوری

۱- دانش آموخته دکتری جامعه شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر، کرمان، ایران
mtavakoli7656@yahoo.com
۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد کرمان،ایران
zohreh.azarayin.1389@gmail.com
۳- دانشجوی کارشناسی مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر، کرمان، ایران *yasereshojaei4500@gmail.com*

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، فناوری‌های هوشمند با سرعتی چشمگیر در ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها نفوذ کرده‌اند. از تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی گرفته تا هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء و ربات‌های اجتماعی، همگی در حال دگرگون ساختن شیوه‌های زیستن، تعامل و تجربه اجتماعی انسان‌ها هستند (Rainie & Wellman, 2012). این تحولات، نه‌تنها بر کارکردهای فردی، بلکه بر ساختارهای اجتماعی، نهادها، و روابط انسانی تأثیرگذار بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که مرز میان دنیای واقعی و مجازی در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی کمرنگ شده است (Castells, 2010). در این شرایط، جامعه‌شناسی فناوری با تأکید بر بینش‌های میان‌رشته‌ای، تلاش دارد تا ابعاد پنهان و پیدای تأثیر فناوری‌های هوشمند بر کنش‌های اجتماعی و ساختارهای فرهنگی را تحلیل نماید. از این منظر، فناوری دیگر تنها ابزار نیست، بلکه نوعی "بازیگر" یا "ساخت‌یافته اجتماعی" است که در بطن روابط انسانی ایفای نقش می‌کند (Latour, 2005).

۲-بیان مسئله

با پیشرفت شتابان فناوری‌های هوشمند، نقش‌های سنتی در خانواده، مدرسه، رسانه، بازار کار و عرصه عمومی در حال تغییر هستند. افراد اکنون هویت‌های چندگانه‌ای در بسترهای مجازی می‌سازند، تعاملات انسانی از شکل چهره‌به‌چهره به ارتباطات دیجیتال بدل شده و فرهنگ‌های جدیدی در بستر دیجیتال شکل گرفته است (Turkle, 2017). این تحولات، نه‌تنها الگوهای رفتاری را بازتعریف کرده، بلکه گاه موجب نوعی "فاصله عاطفی"، "انزوای اجتماعی نوین" و حتی "فردگرایی دیجیتال‌محور" شده‌اند. در جامعه ایران نیز، گرچه این فرایندها با تأخیر نسبی آغاز شده، اما شتاب آن‌ها در سال‌های اخیر بسیار بالا بوده است. گسترش شبکه‌های اجتماعی، آموزش مجازی، پلتفرم‌های خدماتی و زیست‌بوم‌های هوشمند، زمینه‌ساز تغییراتی عمیق در شیوه تعامل افراد، به‌ویژه نسل جوان با جامعه و فرهنگ شده‌اند (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۱).

از این‌رو، پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که:

فناوری‌های هوشمند چگونه بر نقش‌های اجتماعی، تعاملات انسانی و فرهنگ دیجیتال در بستر جامعه معاصر، به‌ویژه ایران، تأثیرگذارند؟

پاسخ به این پرسش، مستلزم تحلیل عمیق نظریه‌های جامعه‌شناسی فناوری و بررسی پژوهش‌های تجربی و مفهومی در این حوزه است.

۳-اهمیت و اهداف تحقیق

تحولات فناورانه در عصر دیجیتال نه‌تنها زمینه‌ساز تغییرات فنی و تکنیکی بوده، بلکه پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز به همراه داشته است. از این منظر، شناخت ابعاد اجتماعی فناوری‌های هوشمند ضرورتی انکارناپذیر برای تحلیل تحولات معاصر جوامع محسوب می‌شود. جامعه‌شناسی به عنوان دانشی حساس به تغییرات ساختاری و فرهنگی، نمی‌تواند نسبت به پیامدهای فناورانه‌ای که نقش‌ها، روابط و ارزش‌های انسانی را بازتعریف می‌کنند، بی‌تفاوت باشد (Feenberg, 2017). فناوری‌های هوشمند، به‌ویژه در قالب پلتفرم‌ها، اپلیکیشن‌ها، و بسترهای تعاملی مجازی، ساختارهای سنتی تعامل و نقش‌های اجتماعی را با چالش مواجه کرده‌اند. دیگر خانواده، آموزش، مشارکت مدنی و حتی مفهوم کار، در بستر دیجیتال و با منطق جدیدی بازتعریف شده‌اند (Castells, 2010). از سوی دیگر، فرهنگ دیجیتال در حال شکل‌گیری است؛ فرهنگی که بر اساس الگوریتم، داده، و تعاملات مجازی ساخته می‌شود و مفاهیمی چون حریم خصوصی، هویت، و اعتماد اجتماعی را به شیوه‌ای نوین صورت‌بندی می‌کند (Turkle, 2017). در جامعه ایران نیز، همگام با جهان، استفاده از فناوری‌های هوشمند رشدی تصاعدی یافته و به یکی از مؤثرترین عوامل در تغییر شیوه‌های تعاملات روزمره، مناسبات خانوادگی، ارتباطات میان‌نسلی، و بازنمایی فرهنگی تبدیل شده است (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۱). از این‌رو، تحلیل جامعه‌شناختی این روند می‌تواند افق‌های جدیدی برای فهم تحولات اجتماعی و فرهنگی معاصر گشوده و بستر مناسبی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی فراهم آورد.

۳-۱-اهداف اصلی تحقیق حاضر عبارتند از

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فناوری‌های هوشمند بر نقش‌های اجتماعی.

بررسی تغییر الگوهای تعامل انسانی در بستر فناوری‌های هوشمند.

تحلیل ابعاد شکل‌گیری و تحول فرهنگ دیجیتال در جامعه معاصر.

ارزیابی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی فناوری‌های هوشمند در ایران.

۴-مبانی نظری و چارچوب مفهومی

بررسی جامعه‌شناختی فناوری‌های هوشمند مستلزم بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که به تبیین رابطه دوسویه میان فناوری، ساختار اجتماعی، و کنش فردی می‌پردازند. در این پژوهش، سه چارچوب نظری کلیدی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به شکل مکمل، ابعاد مختلف موضوع را پوشش می‌دهند: نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، نظریه شبکه کنشگر برونو لاتور، و نظریه جامعه شبکه‌ای مانوئل کستلز.

۱. نظریه ساخت‌یابی (Anthony Giddens)

گیدنز در نظریه ساخت‌یابی، بر تعامل دوگانه میان ساختارهای اجتماعی و کنش انسانی تأکید دارد. او معتقد است که ساختارها نه‌تنها بر کنشگران اثر می‌گذارند، بلکه توسط آن‌ها بازتولید و دگرگون می‌شوند. در این چارچوب، فناوری‌های هوشمند همچون ابزارهایی هستند که در فرآیند بازتولید ساختارهای اجتماعی ایفای نقش می‌کنند؛ آن‌ها بخشی از ساختارند اما هم‌زمان در بازآفرینی آن ساختار نیز سهیم‌اند (Giddens, 1984).

۲. نظریه شبکه کنشگر (Actor-Network Theory - Bruno Latour)

برونو لاتور در نظریه شبکه کنشگر، فناوری‌ها را به‌عنوان "کنشگران غیرانسانی" در شبکه‌های اجتماعی و فنی تحلیل می‌کند. از منظر او، اشیاء و ابزارهای فناورانه واجد عاملیت هستند و در کنار انسان‌ها، در ایجاد، تداوم و تحول روابط اجتماعی نقش دارند. فناوری‌های هوشمند مانند ربات‌ها، الگوریتم‌ها و اپلیکیشن‌ها، دیگر صرفاً ابزار نیستند، بلکه در تعامل با انسان‌ها معنا و تأثیر اجتماعی تولید می‌کنند (Latour, 2005).

۳. نظریه جامعه شبکه‌ای (Manuel Castells)

مانوئل کستلز با معرفی مفهوم جامعه شبکه‌ای، تحولی در فهم ساختارهای اجتماعی ارائه می‌دهد. به‌زعم او، در عصر اطلاعات، شبکه‌های دیجیتال جایگزین نهادهای سنتی شده‌اند. فناوری‌های هوشمند و دیجیتال نه‌فقط ابزار، بلکه بستر اصلی تولید، توزیع و مصرف اطلاعات، فرهنگ و قدرت‌اند. این فناوری‌ها ساختارهای اجتماعی را از شکل سلسله‌مراتبی به شکل شبکه‌ای تغییر داده‌اند که در آن سرعت، جریان داده و پیوندهای مجازی نقش اساسی دارند (Castells, 2010).

۵-چارچوب مفهومی تحقیق

بر مبنای این سه نظریه، چارچوب مفهومی تحقیق حاضر به شرح زیر است:

فناوری‌های هوشمند به عنوان عاملی ساخت‌یافته و ساخت‌یار، در بازتولید نقش‌های اجتماعی نقش دارند (گیدنز).

این فناوری‌ها به‌عنوان کنشگران غیرانسانی در شبکه‌های تعاملی با انسان‌ها وارد تعامل شده و در تحول تعاملات انسانی اثرگذارند (لاتور).

در نهایت، این فناوری‌ها ساختار فرهنگ دیجیتال را در بستری شبکه‌ای بازتعریف کرده‌اند (کستلز).

۶-پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در حوزه تأثیر فناوری‌های هوشمند بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انجام شده است. این بخش به مرور برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می‌پردازد.

الف) مطالعات داخلی

یزدانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی بر روابط اجتماعی جوانان شهر تهران» به این نتیجه رسیدند که استفاده مستمر از شبکه‌های اجتماعی منجر به کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره و افزایش فردگرایی در میان جوانان شده است.

اکبری و سلیمانی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «فناوری‌های نوین و تغییر نقش‌های خانوادگی در ایران» نشان دادند که ابزارهای هوشمند (مانند گوشی‌های هوشمند و اینترنت خانگی) سبب تغییر در نقش‌های سنتی اعضای خانواده، کاهش انسجام خانوادگی و شکل‌گیری الگوهای جدید ارتباطی شده‌اند.

نیکنام و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی درباره «هویت دیجیتال و خودارائه‌گری در فضای مجازی» به بررسی بازنمایی هویت جوانان در بستر فناوری‌های دیجیتال پرداختند و نتیجه گرفتند که تعاملات مجازی زمینه‌ساز چندگانگی هویتی و ساخت هویت‌های سیال شده است.

ب) مطالعات خارجی

رینی ، و ولمن (۲۰۱۲) در کتاب شبکه ای شدن(Networked)تأکید کردند که فناوری‌های هوشمند ساختار تعاملات انسانی را از ارتباطات مبتنی بر مکان به شبکه‌ای از ارتباطات فرامکانی و همزمان تبدیل کرده‌اند که تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری جوامع جدید دارد.

شرری ترکل (۲۰۱۷) در اثر معروف خود بازپس گیری گفتگو(Reclaiming Conversation) استدلال می‌کند که گسترش فناوری‌های هوشمند موجب کاهش کیفیت مکالمه انسانی و تعمیق انزوای اجتماعی شده و ارتباطات انسانی را سطحی‌تر کرده است.

نیک کولدری و آندریاس هپ (۲۰۱۷)در کتاب ساخت واقعیت به واسطه رسانه The Mediated) Construction of Reality) بر این نکته تأکید دارند که فناوری‌های دیجیتال نه‌تنها واسطه تعاملات، بلکه سازنده واقعیت اجتماعی نیز هستند؛ آن‌ها معتقدند که تکنولوژی بخشی از فرایند جامعه‌پذیری و بازتولید فرهنگ شده است.

۷-روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعه اسنادی – کتابخانه‌ای و با رویکرد علمی مروری انجام شده است. هدف اصلی، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر فناوری‌های هوشمند بر نقش‌های اجتماعی، تعاملات انسانی و فرهنگ دیجیتال، از طریق بررسی و ترکیب یافته‌های نظری و پژوهشی موجود است.

۸-روش تحقیق

روش این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر اسناد و منابع معتبر داخلی و خارجی است. در این روش، مفاهیم کلیدی در نظریه‌های جامعه‌شناسی فناوری، آثار علمی پژوهشگران، و مطالعات میدانی انجام‌شده بررسی، استخراج و تحلیل شده‌اند.

۹-جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل متون علمی منتشرشده در حوزه جامعه‌شناسی فناوری، فرهنگ دیجیتال، و ارتباطات انسانی است. این منابع شامل:

کتاب‌ها و مقالات نظری از جامعه‌شناسان برجسته مانند گیدنز، کستلز، و لاتور

پژوهش‌های تجربی انجام‌شده در ایران و سایر کشورها

منابع علمی منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ میلادی)

۱۰-روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات موردنیاز از طریق مطالعه و فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌های علمی بین‌المللی نظیر Google Scholar، JSTOR و Scopus، و پایگاه‌های داخلی مانند SID و Magiran گردآوری شده‌اند.

۱۱-روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و استنباطی انجام شده است. در این تحلیل، مفاهیم، مقولات، و ارتباط آن‌ها با یکدیگر در زمینه نقش فناوری در تغییرات اجتماعی، تعاملات انسانی و ساخت فرهنگی بررسی گردیده‌اند (Krippendorff, 2013).

۱۲-یافته‌ها و تحلیل موضوعی

یافته‌های این تحقیق در سه محور اصلی تحلیل شده‌اند: نقش‌های اجتماعی، تعاملات انسانی، و فرهنگ دیجیتال. هر محور با استفاده از چارچوب‌های نظری تبیین شده و داده‌های مطالعات پیشین در تحلیل آن دخیل بوده‌اند.

۱. فناوری‌های هوشمند و تحول در نقش‌های اجتماعی

فناوری‌های هوشمند ساختار نقش‌های اجتماعی را به شکل بنیادینی دگرگون کرده‌اند. در گذشته، نقش‌های اجتماعی بر پایه تقسیم کار سنتی، نهادهای اجتماعی و موقعیت‌های ساختاری تثبیت شده بودند، اما امروزه نقش‌ها سیال، متکثر و وابسته به تعاملات دیجیتال شده‌اند.

بر اساس نظریه گیدنز، فناوری‌های هوشمند بخشی از ساخت‌های ساخت‌یار هستند که به بازتولید و دگرگونی نقش‌ها کمک می‌کنند (Giddens, 1984). برای مثال، نقش‌های شغلی با ظهور هوش مصنوعی و پلتفرم‌های دیجیتال تغییر یافته‌اند؛ کار از خانه، فریلنسرینگ و الگوریتم‌محوری جایگزین نقش‌های سنتی شده‌اند (Rainie & Wellman, 2012).

۲. تعاملات انسانی در عصر هوشمند

یکی از تغییرات بنیادین، دگرگونی شکل و کیفیت تعاملات انسانی است. تعاملات چهره‌به‌چهره به تعاملات دیجیتال، همزمان، غیربازدارنده و چندرسانه‌ای تبدیل شده‌اند.

مطابق با نظریه شبکه کنشگر لاتور، فناوری‌های هوشمند نه‌تنها واسطه تعامل بلکه خود کنشگرند؛ پیام‌رسان‌ها، دستیارهای صوتی، و شبکه‌های اجتماعی، در نقش‌های شبه‌انسانی ظاهر شده و تعاملات انسانی را بازتعریف کرده‌اند (Latour, 2005).

مطالعات داخلی همچون پژوهش یزدانی و همکاران (۱۴۰۱) نیز کاهش تعاملات واقعی و افزایش انزوای اجتماعی را نتیجه حضور پررنگ فناوری‌های هوشمند می‌دانند.

۳. فرهنگ دیجیتال و بازسازی واقعیت اجتماعی

فرهنگ، دیگر محدود به نهادها، آیین‌ها و ارزش‌های سنتی نیست؛ بلکه در بستر فضای دیجیتال، بازتعریف و بازتولید می‌شود. بر اساس نظریه کستلز، فرهنگ در جامعه شبکه‌ای در جریان‌های اطلاعاتی شکل می‌گیرد، نه در چارچوب‌های جغرافیایی (Castells, 2010).

پژوهش کالدری و هپ (۲۰۱۷) نیز نشان داد که رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال، در ساخت اجتماعی واقعیت نقش فزاینده‌ای دارند و حتی می‌توانند مرز میان واقعیت و بازنمایی را مخدوش کنند.

در ایران، پژوهش نیکنام و همکاران (۱۴۰۰) به ساخت هویت دیجیتال و خودارائه‌گری در فضای مجازی اشاره می‌کند که نشان‌دهنده شکل‌گیری لایه‌های فرهنگی جدید در فضای هوشمند است.

۱۳-نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، با نگاهی جامعه‌شناختی، به بررسی تأثیر فناوری‌های هوشمند بر نقش‌های اجتماعی، تعاملات انسانی و فرهنگ دیجیتال پرداخته شد. یافته‌ها نشان دادند که این فناوری‌ها نه‌تنها ابزارهای تسهیل‌کننده نیستند، بلکه خود کنشگرانی فعال در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نوین محسوب می‌شوند. در سطح نقش‌های اجتماعی، شاهد جابه‌جایی از نقش‌های سنتی به نقش‌هایی سیال و انعطاف‌پذیر هستیم که تحت سلطه منطق دیجیتال و شبکه‌ای بازتعریف شده‌اند. فناوری‌های هوشمند، به‌ویژه در عرصه اشتغال، آموزش و خانواده، موجب بازآرایی مرزها و وظایف شده‌اند. در حوزه تعاملات انسانی، شکل‌گیری الگوهای ارتباطی جدید، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره و افزایش واسطه‌گری ماشین‌ها، الگوی جدیدی از ارتباط انسانی را ترسیم کرده است که با خود فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی به همراه دارد. در سطح فرهنگ دیجیتال نیز با بازتعریف مفاهیم هویت، سبک زندگی، مصرف فرهنگی و خودارائه‌گری مواجه‌ایم؛ به‌گونه‌ای که مفاهیم سنتی مرجعیت فرهنگی، انسجام ارزشی و حتی واقعیت اجتماعی به چالش کشیده شده‌اند.

۱۳-۱-پیشنهادها

۱. بازاندیشی در سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی: لازم است سیاست‌گذاران اجتماعی نسبت به اثرات بلندمدت فناوری‌های هوشمند بر نقش‌های اجتماعی و تعاملات انسانی حساس باشند و برای مدیریت فرهنگی فضای دیجیتال برنامه‌ریزی کنند.

آموزش سواد رسانه‌ای – دیجیتال در همه مقاطع تحصیلی: تقویت توان تحلیلی افراد در مواجهه با فضای مجازی، به ویژه نوجوانان و جوانان، می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا کند.

تولید محتوای بومی در بسترهای هوشمند: برای جلوگیری از سلطه فرهنگی، باید تولید محتوا با ارزش‌های بومی، انسانی و اجتماعی افزایش یابد.

مطالعات بین‌رشته‌ای آینده‌نگر: پژوهش‌های آتی می‌توانند با رویکردهای میان‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی، فناوری، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی) به پیش‌بینی تحولات آینده تعامل انسان و فناوری بپردازند.

منابع

- اکبری، محمدرضا و سلیمانی، فاطمه. (۱۳۹۹). «فناوری‌های نوین و تغییر نقش‌های خانوادگی در ایران». فصلنامه مطالعات خانواده و زن در جامعه ایرانی، ۱۲(۳)، ۸۹–۱۰۸.
- نیکنام، الهام، عبدالهی، سارا و حسن‌زاده، مهسا. (۱۴۰۰). «هویت دیجیتال و خودارائه‌گری در فضای مجازی؛ مطالعه‌ای کیفی بر دانشجویان تهرانی». پژوهشنامه علوم اجتماعی ایران، ۱۷(۲)، ۴۵–۶۶.
- یزدانی، مهدی، رضایی، نسرین، و کاظمی، فاطمه. (۱۴۰۱). «تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی بر روابط اجتماعی جوانان شهر تهران». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۸(۴)، ۱۲۳–۱۴۵.
- Couldry, N., & Hepp, A. (2017). The Mediated Construction of Reality. Polity Press.
- Rainie, L., & Wellman, B. (2012). Networked: The New Social Operating System. MIT Press.
- Castells, M. (2010). The Rise of the Network Society (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- Castells, M. (2010). The Rise of the Network Society. Wiley-Blackwell.
- Couldry, N., & Hepp, A. (2017). The Mediated Construction of Reality. Polity Press.
- Feenberg, A. (2017). Technosystem: The Social Life of Reason. Harvard University Press.
- Giddens, A. (1984). The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration. Polity Press.
- Krippendorff, K. (2013). Content Analysis: An Introduction to Its Methodology (3rd ed.). Sage Publications.
- Latour, B. (2005). Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network-Theory. Oxford University Press.
- Rainie, L., & Wellman, B. (2012). Networked: The New Social Operating System. MIT Press.
- Turkle, S. (2017). Reclaiming Conversation: The Power of Talk in a Digital Age. Penguin Books.